



نوع مقاله: پژوهشی

دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۱۲/۱۵

پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۰۸/۲۲

صفحات: ۳۷-۴۸

doi: 10.29252/mmi.2.22.37

ارزیابی آرای ساکنین محله در چگونگی بناهای میان‌افزا در بافت تاریخی جلفای اصفهان

مقدی خدابخشیان*

چکیده

جلفا، از محلات ارزشمند تاریخی اصفهان با قدمت صفوی است که به دلیل تفاوت فرهنگی- مذهبی شهروندان خود، بافت و معماری متفاوت از سایر محلات شهر دارد. مداخلات در بافت‌های تاریخی با رویکردهای گوناگون در سراسر جهان در حال انجام هستند. پژوهش حاضر به منظور پاسخ‌گویی به این سؤال که بناهای میان‌افزا در محله تاریخی جلفا چگونه باید باشند، شکل گرفت. پس از بررسی انواع مداخلات و با توجه به نقش کاربران در انواع توسعه، نگرش مردم‌گرایانه، به‌عنوان راهکار مناسب امروزی انتخاب شد و از طریق پرسش‌نامه‌ای که نظر ساکنین جلفا را درباره موضوع مورد بحث آزمود، انجام پذیرفت. در مورد بحث و نیاز به تفسیر و تحلیل مقولات گوناگون در ارتباط با ابنیه، از روش کیفی استفاده شده و در زمینه ارزیابی بناهای میان‌افزا در بافت، از قالب پرسش‌نامه بهره گرفته شده است. شیوه گردآوری اطلاعات، میدانی و کتابخانه‌ای است. در تدوین پرسش‌نامه، تصاویر مربوط به بافت‌های گوناگون از جمله جلفا با انواع گونه‌های مداخلات از طریق آزمون خبرگان سازمان‌دهی شدند و تصاویر انتخابی به همراه سؤالات هماهنگ از تعداد ۴۰۰ نفر از ساکنین با حداقل ده سال سکونت، مورد پرسش قرار گرفته و تعداد ۳۷۰ مورد قبول، از طریق نرم‌افزار SPSS آنالیز شدند. در بررسی هم‌بستگی متغیرهای انواع بناهای میان‌افزا در بافت تاریخی، مشخص شد که ساکنین جلفا با وجود ارتباط معنادار بین معیارهای زیباشناختی مرتبط با بافت و رویکردهای طراحی که دارای حفاظت بیشتر و به سمت هماهنگی با بافت موجود بوده، در طراحی بنای جدید موافق‌تر هستند. یافته‌ها نشان دادند ترجیح ساکنین جلفا درباره رویکردهای مطابقت کامل بنا تا تضاد کامل، به ترتیب از بیشتر به کمتر بوده است.

۳۷

کلیدواژه‌ها: بافت تاریخی، مداخله مردم‌گرایانه، بنای میان‌افزا، محله جلفای اصفهان، نظر ساکنین

مقدمه

امروزه بافت‌های تاریخی شهرهای جهان، دستخوش تغییرات شگرفی در زمینه‌های کالبدی فرهنگی و اجتماعی شده‌اند که غالباً عواقب ناشی از مدرنیسمی بوده که سبک بین‌الملل را به سان یک بیماری مسری وارد شهرها و محلات نموده است. این سبک با یکپارچه‌سازی، مبانی سادگی ناشی از تکنولوژی ارزان‌قیمت و بی‌توجه به مصرف انرژی، فرهنگ و ریشه‌های بنیادی را که در طی اعصار مختلف باعث شکل‌گیری کالبد محلات شده‌اند دچار دگرگونی اساسی کرده است. اگر چه در چندین دهه گذشته نظراتی مبنی بر احیا و باززنده‌سازی این محلات در محافل علمی مطرح شده، ولیکن هنوز قدم‌های اجرایی قابل‌قبولی در رابطه با این موضوع در ایران برداشته نشده‌اند.

بافت‌های تاریخی و هسته‌های قدیمی شهرهای امروز، نارسایی‌های متعددی را تحمل می‌کنند. در گذشته این محوطه‌ها، عموماً ترکیب‌هایی از بناهای دوره‌های متفاوت تاریخی را که در جوار یکدیگر قابل شناسایی بوده را در بر می‌گرفتند و در عین حال، هماهنگی منظر و ظاهر بافت، ویژگی مسلط آنها بود؛ ولی در مقابل، آنچه که در دهه‌های اخیر و بر اثر ساخت‌وسازهای جدید در همین بافت‌ها شکل گرفته، جز اغتشاش بصری حاصلی نداشته است (ابویی و جعفری، ۱۳۹۴). محله جلفای اصفهان نیز که یکی از محلات ارزشمند و تاریخی شهر اصفهان است و قدمت آن به دوران صفویه برمی‌گردد، از آفت گذر سنت به مدرنیسم مصون نمانده و تحولات بنیادینی یافته است؛ به طوری که این دگرگونی‌ها به سمت نابودی چهره اولیه آن پیش رفته و احیای آن در قرن ۲۱ باید مورد توجه قرار گیرد. آنچه این محله را از سایر محلات تاریخی اصفهان متمایز نموده، تفاوت فرهنگی-مذهبی شهروندان جلفا بوده که اثر آن در معماری محله و ابنیه ارزشمند بافت آن کاملاً مشهود است. بافت تاریخی شهرها، جزئی از سرمایه ملی و فرهنگ کشور است که نه تنها به لحاظ زیبایی‌شناسی و تداوم خاطرات جمعی و هویت بخشی شهرها ارزشمند بوده، بلکه محل سکونت و معیشت میلیون‌ها نفر محسوب می‌شود. در سال‌های اخیر به دلیل نفوذ فرهنگ مصرف‌گرایی غیربومی کشورهای پیشرفته و در تقابل قرار گرفتن فرهنگ نوگرایی و سنت‌گرایی و نیز بی‌توجهی به سرمایه‌گذاری در نواحی تاریخی، بیشتر ساکنان بومی نقل مکان کرده‌اند (کلانتری و صفری، ۱۳۸۷: ۷۳-۶۹). لذا شناخت بافت‌ها و ارائه راهکارهای طراحی در این زمینه جهت باززنده‌سازی ارزش‌های از دست رفته، ضروری به نظر می‌رسد. یکی از قدم‌ها قبل از ارائه

راهکار طراحی، می‌تواند ارزیابی آرای ساکنان بومی محله در چگونگی شکل‌گیری بناهای جدید در کنار بافتی باشد که هویت و خاطرات جمعی این افراد با آنها گره خورده است. مقاله حاضر، با هدف ارزیابی نظر ساکنان در چگونگی بناهای میان‌افزا در بافت تاریخی جلفا بر اساس مداخله مردم‌گرایانه نگارش یافته است تا بتوان با شناخت آگاهانه‌تری، به اجرای بناهای میان‌افزا در این بافت پرداخت.

اهداف اصلی این پژوهش؛ ۱. ارزیابی چگونگی بناهای میان‌افزا در بافت تاریخی جلفای اصفهان و ۲. بهره‌گیری از نظر ساکنین در چگونگی شکل‌گیری بناهای میان‌افزای جلفای اصفهان، هستند.

این پژوهش، پس از بررسی ضوابط مرتبط با بافت‌های تاریخی از منظر منشورها و اصول بین‌الملل، رویکردهای مختلف در مورد بناهای میان‌افزا در بافت تاریخی را مورد کنکاش قرار داده و جهت ارائه مدل بهینه مداخله در بافت تاریخی جلفا - با توجه به موضوع پژوهش - از رویکرد مداخله مردم‌گرایانه بهره جسته و از طریق پرسش‌نامه‌ای، مورد آزمون قرار داده می‌شود. نظرسنجی ساکنین محله در زمینه چگونگی ساخت‌وساز جدید در کنار بناهای تاریخی برای رسیدن به کالبد طراحی، با روش دلفی دو مرحله‌ای و در نظر گرفتن رأی متخصصین امر در مرحله اول انجام شده و توسط نرم‌افزار SPSS آنالیز می‌شود. سؤالات مطرح‌شده در این پژوهش بدین قرار هستند؛ بناهای میان‌افزا در محله تاریخی جلفای اصفهان چگونه باید باشند؟ نظر ساکنان محله جلفای اصفهان در مورد نحوه شکل‌گیری بناهای میان‌افزا، به چه شکل است؟ پاسخ به این سؤالات می‌تواند در پژوهش‌های آتی، به ارائه الگویی جهت استفاده طراحان شهری و معماران برای طراحی بناهای میان‌افزا در بافت تاریخی جلفای اصفهان منجر شود.

پیشینه تاریخی موضوع

از قرن بیستم، قطع‌نامه‌ها، منشورها و مصوبات در مورد مرمت شهری تدوین شدند و اسناد تأثیرگذاری در مقیاس بین‌المللی تصویب شد (عالی و تاجیک، ۱۳۸۷: ۲۳) که متخصصان در این ارتباط، سیاست‌ها و راهبردهای باارزشی ارائه نموده‌اند. با توجه به حساسیت و اهمیت حفاظت از بافت‌های تاریخی، برای اولین بار اصول حفاظت و مرمت ابنیه تاریخی در منشور آتن (۱۹۳۱) مشخص شدند، که به صراحت استفاده از سبک‌های گذشته را با آموزش بزرگ تاریخ‌مغایر دانسته و معتقد هستند بنای جدید ضمن اینکه باید خنثی یا فاقد جاذبه‌ای خاص باشد، بایستی به سبک ساختمان‌های اطراف، اعم از تاریخی و غیره، احترام گذاشته و به حجم، رنگ



است؛ اما امروزه به‌ویژه در کشورهایی مانند ایران، به دلیل فقدان هدایت لازم، به نوبه خود به یکی از تهدیدهای جدی فرا روی بافت‌های کهن مبدل شده‌اند (مسعود، ۱۳۹۳).

طبق نظرات مطرح در زمینه مداخله در بافت‌های تاریخی، مداخله‌های شهری را می‌توان به چهار دسته عمده تقسیم کرد:

۱. مداخله نوگرایانه
 ۲. مداخله فرهنگ‌گرایانه
 ۳. مداخله فرانوگرایانه
 ۴. مداخله مردم‌گرایانه (مورد توجه در پژوهش حاضر)
- اهمیت بهره‌گیری از نظر ساکنان در مباحث مربوط به بناهای میان‌افزا را می‌توان بیش از سایر رویکردها، مربوط به مداخله مردم‌گرایانه دانست. این رویکرد در مداخله که متأثر از نظریه‌های شهرسازی مشارکتی دهه‌های آخر قرن بیستم میلادی بوده، با هدف بالا بردن میزان مشارکت مردم در تغییرات سازمان‌های شهر و مخاطب قرار دادن مردم و ساکنان محدوده‌های مورد مطالعه برای هر نوع مداخله‌ای است؛ به‌طوری که توجه به نظرات مردم و ساکنان، قبل از هر نوع مداخله در این رویکرد الزامی بوده و همکاری مردم در هر نوع مداخله در بافت پس از بررسی نظرات آنها امکان‌پذیر است (حبیبی و مقصودی، ۱۳۹۰: ۲۰۶-۱۹۶؛ شوای، ۱۳۷۵). بنابراین مشخص است که ارزیابی نظر ساکنان در چگونگی بناهای میان‌افزا در یک محله نیز می‌تواند مربوط به این نوع از مداخله؛ یعنی مداخله مردم‌گرایانه باشد.

پیشینه پژوهشی موضوع

توجه به نظر ساکنان و به مشارکت گرفتن آنها، از موضوعات مهم امروز در توسعه بافت‌هایی است که دارای ارزش تاریخی هستند. این نظرات به همراه قوانین علمی مرمت می‌توانند منجر به توسعه‌های مناسب در محلات آینده شهری باشند. قادریان (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با نام "چارچوب توسعه میان‌افزا در بافت تاریخی"، به دسته‌بندی بناهای میان‌افزای شهر یزد پرداخته و آنها را از نظر کاربردی، فعالیت، مقیاس، موقعیت نوع پروژه و رویکرد بررسی نموده است و از نقاط ضعف توسعه میان‌افزای شهر یزد، به عدم توجه به مشارکت مردم و نظر ساکنین در مورد این بناها اشاره می‌کند.

پرویزی و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله خود با عنوان "شناسایی معیارهای ذهنیت اصیل در معماری جدید بافت‌های باارزش تاریخی در جهت ارتقای هویت کالبدی بافت تاریخی"، به اهمیت خاطرات جمعی در شکل‌گیری بناهای میان‌افزا در بافت تاریخی اشاره کرده و معتقد هستند که توجه به مشارکت ذهنیت‌های اصیل بافت تاریخی می‌تواند در مرحله طراحی

و نمای آنها توجه نماید (قدیری، ۱۳۸۵)؛ به‌نحوی که ویوله لدوک هدف از مداخله را به‌طور کلی، یکپارچه کردن بنا و قرار دادن آن در سبکی مشخص بیان می‌کند. (Guzman et al., 2009: 11). مرور بر تحول منشورهای بین‌المللی از آتن تا به امروز، سیر تدریجی آنها را به سمت افزایش توجه به مقوله بافت‌ها و هسته‌های تاریخی شهرها نشان می‌دهد (حبیبی و مقصودی، ۱۳۸۸: ۱۶۸-۱۵۶)؛ به‌گونه‌ای که شیوه برخورد از تک بناها به کل شهر و کاربری شهری از حالت موزه‌ای به امروزی‌سازی و معاصر سازی با اهمیت توجه به مشارکت شهروندان تغییر یافته است. آنچه در تمامی بیانیه‌های این دوران مشترک بوده، حفاظت مباحث زیباشناسانه بافت‌ها در کنار به‌روز رسانی عاقلانه و امروزی‌سازی آنها برای استفاده ساکنان با توجه به کیفیت بومی بافت است. این تأکید بر مداخلات کیفی با توجه به فرهنگ، در یادداشت میراث جهانی و معماری معاصر (2005) (نیز به چشم می‌خورد (UNESCO, 2005: 1-6). پیش از آن نیز در سایر کنگره‌ها این مهم به شیوه‌های گوناگون دیده می‌شود؛ به‌طوری که در توصیه‌های مهم کنگره امستردام^۱ (1975)، به ضرورت حفاظت از میراث معمارانه به‌عنوان یکی از اهداف اصلی طراحی شهری و سامان‌دهی سرزمین اشاره شده و متذکر می‌شود حفاظت فراگیر، به تصمیمات محلی مسئولیت بخشیده، آنها را متعهد کرده است و شهروندان را به مشارکت می‌طلبید (خدابخشیان، ۱۳۹۵: ۱۴-۹).

همانند سایر میراث، مناطق تاریخی شهرها نیز ارزش‌های زیادی را در بر گرفته و ساختار شکلی آنها، شرایط جامعه را به مثابه هویت فرهنگی حاکم در آن به نمایش می‌گذارند (ICOMOS, 2011: 11-17). دو رویکرد محافظت و توسعه همواره در انجام مداخلات شهری حاکم بوده‌اند و به تعادل رساندن این دو رویکرد، چشم‌انداز اصلی مرمت در بافت‌های تاریخی شده است. در این میان، ساکنین می‌توانند سهم مهمی در حفظ کیفیت بومی بافت‌ها دارا باشند.

مقوله مداخله در بافت‌های فرسوده شهری ایران، از زمانی آغاز می‌شود که قابلیت زندگی در بسیاری از بافت‌های مرکزی و میانی شهرها از جنبه‌های مختلف کالبدی ساختاری اجتماعی و محیطی دچار نقصان شد و شرایط سکونت در این بافت‌ها با نیازهای زندگی کنونی مطابقت خود را از دست داده و کارکردهای موجود بین عناصر درونی این بافت‌ها یعنی انسان و فعالیت با یکدیگر و نیز مناسبات و تناسب این عناصر با سایر عناصر مرتبط در سطح کل شهر، دچار آسیب و خدشه شدند (فلامکی، ۱۳۸۶: ب: ۲۸-۱۴). ساخت‌وسازهای جدید در راستای تداوم حیات در بافت‌های تاریخی، ضرورتی گریزناپذیر

بنای میان‌افزا مؤثر بوده و در مراحل بعدی احیا نیز مشارکت بهتر ساکنین را به همراه داشته باشد.

شاه تیموری و مظاهریان (۱۳۹۱) در مقاله "رهنمودهای طراحی برای ساختارهای جدید در زمینه تاریخی"، پس از بررسی منشورها و قوانین بین‌المللی، به عوامل مؤثر در خصوصیت زمینه تاریخی جهت طراحی در ساختار جدید شامل کاربری مقیاس شکل مصالح و جزئیات، اشاره می‌نمایند. کردوانی و غفاری (۱۳۹۰) در مقاله "توریسم و رویکرد نوسازی در طراحی بافت‌های تاریخی شهری مطالعه موردی: شهر اصفهان"، پس از مطالعه میدانی و مقایسه محلات تاریخی گوناگون در اصفهان، به این نتیجه رسیدند که محله جلفا در کنار محلات اطراف میدان نقش جهان، بیشترین قابلیت توسعه گردشگری را به دلیل بافت تاریخی خود دارا است و کاربری‌های جدید میان‌افزا در این زمینه پیشنهاد شده‌اند.

سانجتی و یوکیلتو (۲۰۱۴) در مقاله خود با نام "ارزش‌ها و برنامه‌های حفاظت شهری: برخی تأثیرات بر اصول و تعاریف"، به اهمیت ارزش‌هایی که برآمده از نگرش مردم در حفاظت محلات است اشاره نموده و معتقد بوده این ارزش‌ها صرفاً وابسته به نگرش‌های طبیعی نبوده و نتایج آنها، وابسته به تفکر مردمی تعریف شده از زمینه فرهنگی هستند.

اهمیت توجه به مداخله مردم‌گرایانه

فلامکی معتقد است مداخله در بافت‌های تاریخی، اقدامی معطوف به ارزش‌های جاری و ریشه‌دار در زندگی بافت تاریخی باید باشد (فلامکی، ۱۳۸۶ الف: ۱۳۱-۱۲۶). در مفهوم توسعه پایدار، یکی از ارکان مشارکت در توسعه، مردم و کاربران هستند (ویلر و بیتلی، ۱۳۸۴: ۳۰۸). چنانچه پایداری، موضوع کار و دل‌مشغولی چندین سازمان و نهاد است که به صورت مشارکتی با هم تعامل داشته و پروژه‌ها را دنبال می‌کنند، اقدامی بنیادین که چنین تعاملاتی را تقویت کند، ضروری است. در اغلب مواقع، بذری برنامه پایداری در یکی از این سه حوزه؛ دولت، بنگاه‌های اقتصادی و مردم ریشه دوانده و رشد می‌کند. هر چند هدف غایی آن، نفوذ به دیگر حوزه‌ها است. در نتیجه، یک گروه اقلیت ممکن است به طور فشرده کار کند، در حالی که از عدم مشارکت و بی‌توجهی سایر گروه‌های ذی‌نفع نسبت به چشم‌انداز جامعه خود دائماً ابراز شگفتی می‌کند.

برای جلوگیری از این مشکلات پنهان، مشارکت یکسان تمام حوزه‌ها در فرآیند و چشم‌انداز اولیه و نیز شکل‌گیری برنامه‌های ویژه، ضروری است (کریزک و پاور، ۱۳۸۹: ۵۶). مشارکت انسانی، به منظور اشتراک و دخالت مثبت کاربران در فرآیند طراحی و ساخت بوده که اگر به طور مؤثری به کار گرفته نشود، یک منبع بسیار کارا و مفید هدر رفته است (ویلر و بیتلی، ۱۳۸۴: ۳۰۸ و ۴۸۲). به طور ایده‌آل، پایداری بر روی نتایج مطلوب برای مردم تمرکز می‌کند. چنین نتیجه‌ای، پیامد فرآیندی به نام مشارکت است؛ فرآیندی که یک جامعه طی آن، مسائل ویژه خود را کشف کرده، مورد توجه و تعهد قرار داده و برای آن، راهکارهای مناسب جستجو می‌کند. اعضای چنین جامعه‌ای، افرادی هستند که؛ ۱. دستور کار بررسی مسائل مختلف را تنظیم می‌کنند، ۲. برای نحوه پیگیری و انجام دستور کار نیز تصمیم می‌گیرند. اگر پایداری نیازمند تغییر رویه در تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی باشد، کاربران باید رویه و روشی را که درصد تغییر آن هستند، درک کنند (کریزک و پاور، ۱۳۸۹: ۳۹). بی‌توجهی به "زمینه" در معماری امروز -بر خلاف روند متداول در گذشته- یک بیماری فراگیر است که هم در بافت‌های جدید و هم در ساختارهای جدید واقع در بافت‌های تاریخی، خود را به وضوح نشان می‌دهد. گویا طراحان و معماران امروز غالباً جایگاه جدی و تعیین‌کننده‌ای برای زمینه پیرامون و دربرگیرنده اثر مورد طراحی قائل نبوده و همواره در فضای "خلأ" طراحی می‌کنند (همان: ۱۸). کامیلو سیتته معتقد است که ارزش هر بنا، به محیط اطراف آن بستگی دارد. موضوع اصلی در این نظریه، روابط فضایی موجود بین بنا و محیط است، نه روابط کاربردی بناها و فضاهای تهی مجاور آنها (فلامکی، ۱۳۸۶ الف). حال آنکه اثر به مثابه "نقش" در "زمینه" درک می‌شود و نه جدا از آن. این مشکل، آنجا که معماری زمینه از قوت و استواری بیشتری برخوردار باشد، خودنمایی بیشتری خواهد داشت. جایگزین کردن مفهوم معماری در باززنده‌سازی به جای تبعیت از ویژگی‌های شکلی، سبکی در بناهای مورد مداخله دارای اهمیت می‌شود (حبیبی و مقصودی، ۱۳۹۰). با تعریف دستور کار ۲۱ در مورد توسعه پایدار، آن باید شکل بومی و محلی از توسعه را که با توجه به فرم‌های بومی منطقه است، در بر بگیرد (کریزک و پاور، ۱۳۸۹: ۱۸). این رویکرد، اهمیت زمینه را بیش از پیش آشکار می‌نماید. در چنین نگرشی، رخداد توسعه پایدار به گونه‌های مختلف معنا می‌شود که تابع زمینه و منابع محلی است. از آنجا که مردم یا ساکنین، از منابع ارزشمند در هر توسعه به شمار می‌روند، مشارکت آنها در شکل‌دهی محله و بناهای محل زندگی آنها در حالی که دارای ارزش تاریخی



ساختارهای جدید در بافت‌های تاریخی پرداخته، بر اساس خط مشی و دیدگاه‌های مدرنیستی نسبت به آثار تاریخی، سعی در مبرا نمودن ابنیه جدید نسبت به آن آثار داشته و از تاریخی‌سازی جلوگیری می‌نمایند. در این رویکرد، به خاطر منفک بودن معماری امروز از معماری سنتی، دلیلی برای ایجاد تشابه و ارتباط صوری بین این دو وجود ندارد. در این نوع نگاه، اثر جدید اصولاً با زبان و بیانی متفاوت از زمینه آغاز شده و پیرو آن، واژگان و دستور زبان متفاوتی را نیز برای شکل‌دهی به اثر مورد نظر خویش برمی‌گزیند (مسعود و بیک‌زاده شهرکی، ۱۳۹۲: ۱۱۷-۱۰۲).

از آنجا که معماران امروز درک بهتر و تفسیر آزادتری از زمینه در تضاد دارا هستند، به سمت آن تمایل داشته و آن را به معماری روز نزدیک‌تر می‌دانند. دیویس^۷ (2003) معتقد است بیش از یک راه طراحی در بافت تاریخی وجود دارد که وابسته به متغیرهای گوناگون از جمله؛ اشتیاق مالک، قیمت بنا، زیبایی، انعطاف، مهارت طراح و غیره است که هر یک می‌تواند تحت تأثیر دیگری باشد. وی معتقد است طراحی بین دو بی‌نهایت قطبی شده است؛ خیلی تاریخی و خیلی مدرن. بنابراین هر یک از شیوه‌ها می‌تواند در بین این دو محدوده به تناسب معنایی جایگاهی داشته باشد (Davies, 2003: 5-12).

در رویکردهای تشابه‌بیشینه‌ای و سبکی و هم‌افزایی جدید و قدیم، تأکید، بر بیشترین میزان مشابهت میان ساختارهای جدید و زمینه تاریخی است. در انتهای این طیف، استفاده کامل از الگوهای معماری، فضاهای شهری و ساختارهای کالبدی و حتی مصالح و شیوه‌های اجرا به‌عنوان ابزاری در جهت هماهنگی حداکثری میان جدید و قدیم و تداوم کالبد و فضای قدیم، مورد توجه قرار می‌گیرد. به‌عبارتی، تاریخی‌سازی، هدف این رویکرد بوده و عبارت از این است که بنای جدید و یا نوع مداخله در بنا و بافت، دقیقاً مشابه زمینه تاریخی و در تطابق شکلی با آن باشد. این امر به نوبه خود، منجر به وحدت و هماهنگی کاملی با زمینه خواهد شد؛ اما از نگاه مخالفان این دیدگاه، این تهدید وجود دارد که اختلاط قابل توجهی میان آثار جدید و قدیم رخ داده و امکان بازشناسی این آثار از یکدیگر وجود نداشته باشد (مسعود و بیک‌زاده شهرکی، ۱۳۹۲: ۱۱۷-۱۰۲).

رویکرد حفظ نما و نماسازی تزئینی نیز در بسیاری از بافت‌های تاریخی دنیا به‌ویژه در کشورهای اروپایی تجربه شده است و هنوز هم به‌عنوان یکی از رویکردهای احداث ساختارهای جدید در بافت‌های تاریخی، مورد توجه و استفاده قرار می‌گیرد. در این رویکرد، نمای بیرونی ابنیه تاریخی به منظور حفظ هویت فضاهای شهری و معماری جداره‌ها و نگهداشت روحیه سنتی و به‌عبارتی "قدیمی" معابر و گذرها،

نیز باشند، بیش از پیش اهمیت می‌یابد. در چارچوب‌های برنامه‌ریزی میان‌افزا در کتاب "استراتژی‌هایی برای توسعه میان‌افزای موفق" (2001)، به صراحت به اهمیت دخیل نمودن جامعه محلی اشاره شده است.

رویکردهای گوناگون در مورد بناهای میان‌افزا در بافت تاریخی

از آنجا که پژوهش حاضر در مورد چگونگی کالبد بیرونی بناهای میان‌افزا در بافت تاریخی است، از بین رویکردهای فراوانی که توسط صاحب‌نظران در این زمینه معرفی شده، برخی رویکردهای مربوط به موضوع پژوهش به اختصار ارائه شده‌اند. توجه به فرم‌های بومی و محلی در زمینه، اهمیت توجه به این مقوله را در بافت‌های تاریخی و ارزشمند بسیار بارزتر می‌نماید. شاید به همین دلیل است که دیدگاه‌های مختلفی در زمینه طراحی و هم‌نشینی عناصر جدید در مجاورت ساختارهای تاریخی شکل گرفته‌اند (مسعود و بیک‌زاده شهرکی، ۱۳۹۲: ۱۱۷-۱۰۲). امروزه به دلیل پیشرفت نامحدود فن‌آوری، ایجاد ارتباط معقول بین بنای جدید با زمینه، قابل دست‌یابی است. اگر چه عموماً دو رویکرد اصلی تضاد و تطابق در ایجاد بناهای جدید توسط برخی متخصصان در زمینه تاریخی مورد توجه بوده، ولی برخی صاحب‌نظران، حضور بنای جدید در زمینه را به این دو رویکرد محدود نکرده‌اند.

بر اساس نظر تیلو^۳ (۲۰۰۶)، سه راهکار جهت طراحی بنای جدید در زمینه تاریخی وجود دارند؛ "تطابق"^۴، "هماهنگی"^۵ و "تضاد"^۶ جدید با قدیم. در مورد "تطابق"، بنای جدید تا حد امکان، به تکرار الحاقات و ویژگی‌های بنای تاریخی هم‌جوار خود می‌پردازد. این شیوه، به سختی امکان تشخیص جدید را از قدیم می‌دهد. "هماهنگی"، معمولاً به "توانایی در ایجاد هارمونی" تعریف می‌شود. در این مورد نیز با استفاده از عناصر و الحاقات تاریخی، فضاهای داخلی جدید در محلات تاریخی ساخته می‌شوند. طرفداران رویکرد "تضاد" این چنین استدلال می‌کنند که طرح جدید در بستر تاریخی باید کاملاً از زمینه خود قابل تشخیص باشد (Sotudeh et al., 2013: 89). در چنین رویکردی، نخست، متمایز نمودن یک بنای شاخص، مهم و مجلل از بافت معماری پیرامون است که ممکن است اشتراکاتی قابل توجه میان معماری بنای جدید با بافت تاریخی نیز وجود داشته باشند، حالت دوم آن است که معمار در طراحی ساختار جدید، بنا را بر حداکثر تضاد گذارده و با روحیه‌ای کاملاً متفاوت و یا متضاد، سعی در پدید آوردن آن نموده است. بیشترین میزان تباین، ماهیتی میان "جدید" و "قدیم" دارد. کسانی که با این رویکرد به ایجاد

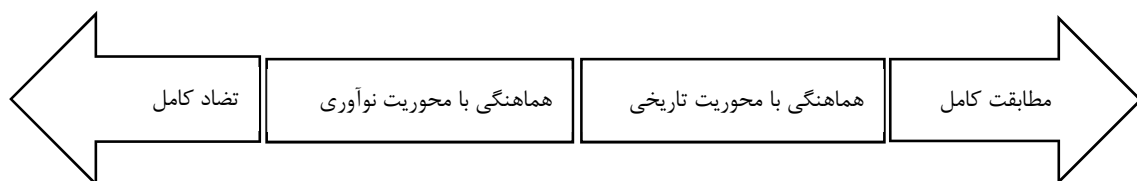
بنا به تفاوت‌ها و گاهی تعارضاتی که میان برخی رویکردها وجود دارند، تلفیق و هم‌نشینی آنها با یکدیگر را بسیار بعید می‌نماید. به هر حال، آنچه در ترکیب رویکردها و اتخاذ روش‌ها دارای موضوعیت بارز و جدی است آن است که بنای میان‌افزا یا ساختار جدید نسبت به ویژگی‌ها و اقتضائات زمینه، نیازهای کاربردی و عملکردی، تأثیر و تأثر نسبت آثار تاریخی پیرامون و سایر شرایط مؤثر بر شکل‌گیری طرح، چه نوع جهت‌گیری خواهد داشت؟ تشابه، هماهنگی، تضاد، استتار و ... همچنین رویکردهای مختلف در شکل‌گیری یک اثر نو یا اجزای مختلف آن، چگونه می‌توانند به نحو مناسب و با تعامل مؤثری با یکدیگر هم‌نشینی و تلفیق داشته باشند و مرز مشخصی بین آنها نمی‌توان یافت؟

سمس^۱ (178-163: 2009) معتقد است توازن میان تضاد و تطابق باید وجود داشته باشد. در واقع، تفاوت از موردی به مورد دیگر. بنابراین، معماران پیرو حفاظت آثار تاریخی باید پروژه‌ها را با دامنه‌ای از رویکردها قیاس نمایند و نه تنها با یک قانون کلی. با کنار گذاشتن یک سبک یا زبان خاص طراحی، می‌توان با استفاده از ترکیبی از چهار نگرش متفاوت زیر، ارتباط بین قدیم و جدید را ایجاد نمود. حد فاصل بین بیشترین هماهنگی یا مطابقت کامل تا بیشترین تفاوت یا تضاد کامل را می‌توان با دو موقعیت بینابینی که با تمایل به یکی از دو مورد در دو انتها نوسان داشته باشند، کامل نمود (تصویر ۱).

۱. مطابقت کامل: در این شیوه طراحی، تطابق، مقدم و تفاوت یا تضاد، در حداقل خود است. این راهکار، شاخصه‌های بستر موجود را به شرطی که المان‌های تاریخی تکرارشونده آن به خوبی قابل فهم بوده و مفاهیم فنی برای انعکاس تکرارها در دسترس باشند و همچنین مقیاس تکرار تقریباً مشابه ساختمان اصلی باشد، در بر می‌گیرد.

۲. هماهنگی با محوریت تاریخی: این شیوه ضمن اینکه طرح اصلی را تکرار نمی‌کند، المان‌های جدید را مشابه سبک اصلی یا نزدیک به آن اضافه نموده؛ در حالی که حس استمرار را در زبان معماری ایجاد می‌کند. در این نوع، هدف، رسیدن به یک تعادل بین تفاوت و هماهنگی

با دقت و حساسیت به شکل اصیل و تاریخی خود حفظ شده است، ولی حجم ساختمان تاریخی، از درون تخلیه شده و ساختار جدید با الگوهای معماری، کالبدی و فضایی و نیز با شیوه‌های سازه‌ای و تأسیساتی کاملاً جدید در پشت بدنه تاریخی اجرا می‌شود (حاج‌علیزاده و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۳۵-۱۲۹). رویکردهایی که تا اینجا به آنها اشاره شده، غالباً ناظر بر رویکردهایی بوده که به‌طور چشمگیرتری مورد توجه و تجربه قرار گرفته‌اند. به‌عبارت‌دیگر، با توجه به بررسی ساخت‌وسازهای جدید در بافت‌های تاریخی، به نظر می‌رسد یکی از دیدگاه‌های کارا و مؤثر و منتج به نتیجه، تکیه بر زمینه‌گرایی با رویکرد تداوم باشد که تداوم تجارب معماری و تاریخی را دنبال می‌کند و در جستجوی حلقه‌های مفقوده معماری در بستر تاریخ نزدیک (معاصر) بوده و سعی در برقرار نمودن پیوندهای معنادار، غیرصوری یا پوسته‌ای امروز با گذشته غنی نه چندان دور خویش دارد. در این رویکرد، آنچه برای طراح دارای اهمیت بوده، جستجو و شناخت ویژگی‌های اصیل معماری زمینه تاریخی به منظور کاربست در طرح بنای جدید در بافت است. با این روش، الگوهایی از معماری زمینه در مقیاس‌ها و سطوح مختلف قابل دسترس خواهند بود که با نگاهی تازه و در عین حال با رویکرد تداوم، نسبت به خاستگاه‌ها و ریشه‌های اصیل خود مورد طراحی قرار می‌گیرند. این الگوها، از الگوهای کلی پر و خالی و جهت‌گیری گرفته تا الگوهای معماری و نیارشی و حتی آرایه‌ها و تزئینات، همگی را در بر گرفته؛ اما با این وجود، هیچ‌گاه به معنای تقلید صرف از زمینه نخواهند بود. تداوم همراه با تغییر در جهت به‌روز رسانی، همواره اساس این نگاه خواهد بود و دچار تاریخی‌سازی و تحریف ادوار تاریخی نمی‌شود، اما به تدریج جزء زمینه شده و با آن متحد می‌شود. ایجاد ساختارهای جدید در میان آثار تاریخی یا در مجاورت یک تک بنای ارزشمند، غالباً با پیچیدگی‌هایی همراه است که اتخاذ یک روش و رویکرد واحد را دور از دسترس نموده و در بسیاری موارد، منجر به ضرورت اخذ چند رویکرد و ترکیب آنها با یکدیگر در جهت نیل به پاسخ مطلوب می‌شود. اینکه چه رویکردهایی برگرفته شده و چگونه با یکدیگر ترکیب شوند تا پاسخ بهتر و قابل‌قبول‌تری به‌دست آید، مستلزم کسب شناخت همه‌جانبه‌ای از زمینه خواهد بود. هر چند



تصویر ۱. نوسان رویکردهای طراحی بین تطابق کامل تا تضاد کامل (نگارنده)



شده و در زمینه ارزیابی بناهای میان‌افزا در بافت، از قالب پرسش‌نامه بهره گرفته شده است. جهت ارائه مدل بهینه مداخله در بافت تاریخی جلفا، از رویکرد مداخله مردم‌گرایانه که بر اساس نظر و انتخاب ساکنان بومی محلات تاریخی شکل می‌گیرد، استفاده شده است. منابع قابل‌استفاده در ارتباط با موضوع، شامل منشورها و قطع‌نامه‌های جهانی، کتب و مقالات معتبر علمی و ... بوده‌اند. با بررسی منابع، مبانی علمی تجربی مداخله در بافت‌های تاریخی استخراج شده و انگاره اصلی پژوهش تدوین شده است. مورد مطالعه در این تحقیق، محله جلفا است که اطلاعات مربوط به آن، از طریق کتابخانه‌ای و میدانی به‌طور وسیع با حضور در محل و ایجاد ارتباط با کالبد بافت تاریخی موجود و همچنین استفاده از اسناد نوشتاری و بصری در زمینه موضوع، انجام گرفته‌اند.

جلفا، بافت تاریخی ارزشمند در اصفهان است که ساخت‌وسازهای نامطلوب در آن، بافت تاریخی را نابود می‌کنند. برای بررسی موضوع تحقیق در مورد چگونگی ارتباط بناهای جدید و قدیم در بافت تاریخی جلفا در مرحله اول، یک آزمون در مورد ۷۸ عدد تصویر از بناهای جدید ساخته‌شده در بافت‌های تاریخی نقاط مختلف جهان و همچنین سایت مورد بحث از طرف ۲۶ متخصص رشته معماری و شهرسازی در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری انجام گرفت و به هر یک از تصاویر، امتیازاتی بر اساس چهار رویکرد مورد استفاده در پژوهش داده شدند. سپس از هر چهار رویکرد، سه تصویر که بیشترین امتیاز به آنها اختصاص داده شده بود (جمعاً ۱۲ تصویر) و یکی از آنها به بافت جلفا تعلق داشت، از طرف ساکنین در پرسش‌نامه مورد ارزیابی قرار گرفت که موارد مربوط به جلفا در تصویر ۲ آورده شده‌اند.

تمامی سؤالات مطرح در پرسش‌نامه، در پنج مقیاس متفاوت قابل اندازه‌گیری هستند. عدد یک در تمامی موارد، پایین‌ترین یا منفی‌ترین و عدد پنج، بالاترین یا مثبت‌ترین مورد است. پرسش‌ها، از ساکنینی که حداقل سابقه ده سال سکونت در بافت را دارند پرسیده شدند. بر اساس مقیاس پرسش‌نامه، پاسخ‌های ساکنین در سه دسته بر اساس اولویت‌ها تقسیم‌بندی شدند. در مقیاس ارزیابی بین ۵-۱، بالاترین میزان با اعداد ۴ و ۵، میزان متوسط با عدد ۳ و میزان پایین، با اعداد ۱ و ۲ مشخص شد. سپس، نرم‌افزار SPSS برای آنالیز داده و تعیین درجه معناداری، مورد استفاده قرار گرفت.

ابزار گردآوری داده‌ها

از مشاهده، به‌عنوان ابزار گردآوری داده‌ها به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم استفاده شده است و کنش‌ها و واکنش‌های

بوده، ولی وزن بیشتر به سمت دومی متمایل است. ۳. هماهنگی با محوریت نوآوری: شیوه سوم، در جستجوی ایجاد ارتباط با بستر تاریخی است؛ در حالی که در شباهت‌های بلافصل یا تکرار المان‌های تاریخی، به‌صورت هشیارانه ممانعت می‌نماید. این نوع، در جستجوی ایجاد تعادل بین تفاوت و هماهنگی است؛ ولی با تعادلی که در خلال فرم اتفاق می‌افتد و نیازمند مهارت و هنرمندی خاصی در طراحی است. به‌عبارتی، این نوع تعادل به سمت تضاد بیشتر تمایل دارد.

۴. تضاد کامل: این شیوه، به دنبال ایجاد تضاد هشیارانه در بافت است و از طریق ایجاد تغییر کاراکترها با ایجاد تضاد آشکار و تقدم تفاوت در هماهنگی، عمل می‌نماید (Sotudeh et al., 2013: 87). هر چند مرز مشخص بین این چهار رویکرد وجود ندارد و در واقع تشخیص اینکه ساختمان در کدام مرز قرار دارد کاملاً نسبی است، ولی از این طریق می‌توان جهت‌گیری و تمایل ساکنین را به خوبی نسبت به آنچه از بافت محل سکونت خود انتظار دارند سنجید. در پژوهش حاضر، دسته‌بندی تصاویر ساختمان‌های گوناگون بر اساس این چهار دسته انجام گرفته و در قالب پرسش‌نامه آمده است.

دلیل انتخاب جلفا به‌عنوان زمینه تحقیقی

سابقه تاریخی جلفای اصفهان، به دوران صفوی برمی‌گردد. این محله، به قشر ارمنیانی که در دوره شاه عباس و در زمان جنگ‌های ایران و عثمانی به اصفهان کوچانده شدند متعلق است. جلفا، دارای آثار ارزشمند نظیر؛ کلیساها، مدارس، حمام‌ها، کاروانسراها و همچنین خانه‌های زیبا از دوره‌های مختلف صفوی، قاجار و پهلوی است (خدابخشیان، ۱۳۸۵: ۵۷). کالبد فرهنگی متفاوت ساکنین جلفا، باعث به وجود آمدن سبک خاص معماری شده که شایسته حفظ است. ساختارهای جدید بی‌توجه به زمینه جلفا، چهره آن را مغشوش کرده و محقق به دلیل تعلق به قشر ارمنی این محله، علاقه‌مند به ارزیابی چگونگی بناهای جدید در جلفای اصفهان به‌عنوان محله آبا و اجدادی خود است.

روش پژوهش و مراحل انجام آن

از آنجا که پژوهش حاضر امکان استفاده برای طراحی در بافت جلفا را مهیا ساخته، از نوع تحقیقات کاربردی محسوب می‌شود. روش تحقیق در این پژوهش، به‌صورت ترکیبی از کمی و کیفی است. در مورد بحث و نیاز به تفسیر و تحلیل مقولات گوناگون در ارتباط با ابنیه، از روش کیفی استفاده

دهند. بدین ترتیب پس از نمونه‌گیری اولیه، در طول مراحل پژوهش، انواع نمونه‌گیری در حین گردآوری، تفسیر و همچنین ارائه یافته‌ها انجام شده‌اند. تصاویر بناهای میان‌افزای مختلف واقع در بافت‌های گوناگون از سراسر جهان از جمله جلفای اصفهان جمع‌آوری شده و سپس بر اساس چهار رویکرد طراحی مطرح‌شده در بخش‌های قبل، تفسیر شده‌اند. نمونه‌گیری نظری شامل؛ عملیات هم‌زمان گردآوری داده‌ها، کدگذاری و تحلیل، انجام شده و بر اساس آن تصمیم گرفته شد که چه داده‌هایی در مرحله بعدی گردآوری شوند تا بدین وسیله نظریه در حین شکلگیری تدوین شود. به‌عبارتی، نظریه در حال تدوین، فرآیند گردآوری داده‌ها را کنترل نموده است. متغیرها در تحقیق حاضر شامل؛ انواع بناهای جدید در بافت‌های تاریخی جهان و جلفا، عناصر ساختمانی آنها و جوه این بناها هستند.

شیوه تجزیه و تحلیل داده‌ها

در شیوه تجزیه و تحلیل موارد پرسش‌نامه، از ضریب هم‌بستگی پیرسون^۱ در نرم‌افزار SPSS استفاده شده است. در بررسی هم‌بستگی دو متغیر، اگر هر دو متغیر مورد مطالعه در مقیاس نسبی باشند، از ضریب هم‌بستگی گشتاوری پیرسون استفاده می‌شود. مقدار این ضریب، میزان هم‌بستگی دو متغیر بین +۱ و -۱ است. اگر مقدار به‌دست آمده مثبت باشد، به معنی این است که تغییرات دو متغیر به‌طور هم‌جهت اتفاق می‌افتند؛ یعنی با افزایش در هر متغیر، متغیر دیگر نیز افزایش می‌یابد

بناها نسبت به هم در محله جلفا، مورد مستندسازی از طرف محقق قرار گرفته‌اند. تبدیل اعمال به متن، مهمترین بخش گردآوری اطلاعات بوده است. بر اساس نوشته‌های فلیک، یادداشتهای میدانی، ابزار کلاسیک مستندسازی در تحقیق میدانی بوده‌اند (فلیک، ۱۳۹۰: ۱۳۴-۱۲۳) که در تحقیق حاضر به آنها پرداخته شده است. تولید واقعیت در متون، از یادداشت‌برداری میدانی آغاز شده که عکس، کروکی، نقشه و سایر داده‌های بصری بدان افزوده شده است. ابزارهایی که در تحقیق حاضر مورد توجه بوده، عبارت هستند از؛ نرم‌افزارهای رایانه‌ای از جمله SPSS میکروسافت آفیس و در مورد بناها در مواردی برداشت از بنای تاریخی و بهره‌گیری از دوربین عکاسی جهت ثبت رخدادهای انجام شده است. همچنین از موتورهای جستجو و سایت‌های معتبر علمی، برای دستیابی به اطلاعات بهره گرفته شده است. پرسش‌نامه مورد استفاده در این پژوهش، بر اساس پژوهشی در شیراز تدوین شده؛ به‌طوری که بر مبنای زمینه جلفا تغییر یافته و مورد استفاده و آزمون واقع شده است.

جامعه آماری، حجم نمونه، روش نمونه‌گیری

نمونه‌گیری تصادفی، شیوه نمونه‌گیری در پژوهش حاضر است. حجم دقیق نمونه، با استفاده از فرمول کوکران^۲ و پس از انجام مطالعه مقدماتی و برآورد اولیه تخمین زده شد. از ابتدا، معیارهای دسترسی به نمونه‌ها چنان تعریف شده که آنها را محدود نموده و تمامی موارد، کل واحدی را تشکیل



همانگی با محوریت تاریخی



مطابقت کامل



تضاد کامل



همانگی با محوریت نوآوری

تصویر ۲. تصاویر مربوط به جلفا با بیشترین امتیاز از رویکردهای چهارگانه (نگارنده)



بین ۳۰ تا ۴۰ سال و درصد کمی از آنها بالای ۶۰ سال سن دارند. از نظر تحصیلات در این نمونه، ۱۰۹ نفر معادل ۲۹/۵ درصد دیپلم، ۱۵۶ نفر معادل ۴۲/۲ درصد لیسانس، ۵۳ نفر معادل ۱۴/۳ درصد فوق لیسانس، ۲۳ نفر معادل ۶/۲ درصد دکتری و ۲۹ نفر معادل ۷/۸ درصد، سایر مدارک تحصیلی را دارند. بنابراین بیشتر افراد نمونه، لیسانس داشته و درصد کمی از آنها دارای مدرک تحصیلی دکتری هستند. از نظر مدت زمان سکونت در محله در این نمونه، ۹۶ نفر معادل ۲۵/۹ درصد حدود ۵ سال، ۸۵ نفر معادل ۲۳ درصد بین ۵ تا ۱۰ سال، ۱۴۵ نفر معادل ۳۹/۲ درصد بین ۱۰ تا ۲۰ سال و ۴۴ نفر معادل ۱۱/۹ درصد، بیشتر از ۲۰ سال است که در این محله سکونت دارند. بنابراین بیشتر افراد نمونه، بین ۱۰ تا ۲۰ سال در این محله هستند.

آماره‌های توصیفی برای یک از رویکردهای طراحی در بافت تاریخی جلفا

با توجه به چهار رویکرد طراحی در بافت تاریخی ارائه شده توسط سمس که در پرسش‌نامه از طریق تصاویر مربوط به هر رویکرد، مورد اکتشاف قرار گرفته شدند، درجه ترجیح برای هر رویکرد، مطابق جدول ۲ به دست آمد.

میزان ترجیحات و معیارهای بناهای میان‌افزا در بافت تاریخی جلفا

معیارهای زیبایی‌شناسی بنای میان‌افزا در بافت تاریخی که در پرسش‌نامه مورد آزمون قرار داده شده، مطابق جدول ۳ اولویت‌بندی شدند.

هم‌بستگی معیارهای زیباشناختی و رویکردهای طراحی

هم‌بستگی بین متغیرهای زیباشناختی و رویکردهای طراحی، در جدول ۴ آمده است.

جدول ۱. نتایج پایایی متغیرها به‌طور کلی

متغیر	ضریب آلفای کرونباخ
تناسب زیباشناختی	۰/۸۳
فاکتورهای ارتباط با اطراف	۰/۸۹
بافت تاریخی شهر	۰/۷۶
بناهای جدید و بافت تاریخی	۰/۹۲
کل پرسش‌نامه	۰/۸۴

(نگارنده)

و برعکس اگر مقدار T منفی شود، یعنی اینکه دو متغیر در جهت عکس هم عمل می‌کنند؛ به‌گونه‌ای که با افزایش مقدار یک متغیر، مقادیر متغیر دیگر کاهش می‌یابند و برعکس. اگر مقدار به‌دست آمده صفر شد، نشان می‌دهد که هیچ رابطه‌ای بین دو متغیر وجود ندارد و اگر $+1$ شد، هم‌بستگی مثبت کامل و اگر -1 شد، هم‌بستگی کامل و منفی است.

محاسبه حجم نمونه

برای انجام این پژوهش، نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شده است. بر اساس گزارش‌های آماری سال ۱۳۹۵ از اداره آمار استان اصفهان، تعداد ساکنین در محدوده مورد مطالعه که شامل خیابان توحید تا وحید در شرق و غرب و خیابان‌های نظر و محتشم کاشانی در شمال و جنوب (محدوده جلفای قدیم اصفهان) هستند، ۱۲۰۰۰ نفر تخمین زده شده که بر اساس آن، حجم نمونه ۳۷۲ نفر به‌دست آمده است. با توجه به اینکه معمولاً درصدی از پرسش‌نامه‌های توزیع شده برگشت داده نمی‌شوند، از تعداد ۴۰۰ پرسش‌نامه توزیع شده، ۳۸۰ عدد توسط ساکنین تکمیل و برگشت داده شده که از این تعداد، در نهایت ۳۷۰ پرسش‌نامه قابل قبول، مبنای انجام پژوهش قرار گرفتند.

محاسبه پایایی پرسش‌نامه

به منظور اندازه‌گیری پایایی یا ثبات درونی پرسش‌نامه، در یک مطالعه مقدماتی، تعداد ۳۰ پرسش‌نامه در میان حجم نمونه توزیع شدند که در نهایت، میزان آنها با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ^{۱۱} و با استفاده از نرم‌افزار SPSS محاسبه شد. نتایج حاصل از پایایی متغیرهای تحقیق، به‌صورت کلی در جدول ۱ آورده شده‌اند.

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، تمامی متغیرهای تحت بررسی در این پژوهش، ضریب آلفای بالاتر از ۰/۷۰ داشته و به‌صورت معنادار سنجیده شده‌اند. همچنین ضریب آلفای کرونباخ کل پرسش‌نامه، برابر ۰/۸۴ است. بنابراین پرسش‌نامه، دارای پایایی لازم است.

آمار توصیفی مورد استفاده در پرسش‌نامه

در نمونه‌گیری انجام شده، ۱۸۱ نفر معادل ۴۸/۹ درصد ساکنین، مرد و ۱۸۹ نفر معادل ۵۱/۱ درصد، زن هستند. همچنین، ۵۰ نفر معادل ۱۳/۵ درصد از ساکنین بین ۲۰ تا ۳۰ سال، ۱۲۰ نفر معادل ۳۲/۴ درصد بین ۳۰ تا ۴۰ سال، ۱۰۷ نفر معادل ۲۸/۹ درصد بین ۴۰ تا ۵۰ سال، ۶۳ نفر معادل ۱۷ درصد بین ۵۰ تا ۶۰ سال و ۳۰ نفر معادل ۸/۱ درصد بالای ۶۰ سال سن دارند. بنابراین بیشتر افراد نمونه،

جدول ۲. آماره‌های توصیفی برای هر یک از رویکردهای طراحی در بافت به‌عنوان متغیرها

رتبه	متغیر	میانگین	انحراف معیار	درجه ترجیح
۱	مطابقت کامل	۴/۰۴۹۹	۰/۴۵۱۵۴	بالا
۲	هماهنگی با محوریت تاریخی	۳/۸۱۳۳	۰/۴۴۳۵۰	متوسط
۳	هماهنگی با محوریت نوآوری	۳/۸۸۱۶	۱/۰۹۸۳۵	متوسط
۴	تضاد کامل	۲/۸۲۵۷	۱/۰۰۷۳۱	پایین

(نگارنده)

جدول ۳. میزان ترجیح برای معیارهای بنای جدید در بافت تاریخی

رتبه	متغیر	میانگین	انحراف معیار	درجه ترجیح
۱	ارتباط بنا با بافت یا زمینه (بلافاصل، یکپارچه)	۴/۲۷۱۸	۰/۹۶۷۶۵	بالا
۲	بنای مأنوس با بافت (وقتی نمونه‌ای با بافت اطراف المان‌های مشابه، ارتباط و ترکیبات در تناسب است)	۳/۳۴۹۷	۱/۱۴۵۸۵	بالا
۳	بنای هماهنگ با بافت (خوب، زیبا، قابل قبول)	۳/۰۵۲۳	۱/۰۱۹۷۵	متوسط
۴	بنای معنادار در بافت (نمادین، گویا)	۳/۰۱۳۱	۱/۰۴۹۵۱	متوسط
۵	بنای جدید در بافت (منحصر به فرد، باصالت، خلاقه)	۲/۷۴۵۱	۱/۱۳۵۶۵	پایین
۶	بنای متضاد در بافت (بنایی با تمایزات بسیار)	۲/۲۳۹۲	۱/۰۲۷۵۴	پایین

(نگارنده)

جدول ۴. هم‌بستگی بین متغیرهای زیباشناختی و رویکردهای طراحی

مطابقت کامل	هماهنگی با محوریت تاریخی	هماهنگی با محوریت نوآوری	تضاد کامل	
***۰/۱۹۳	۰/۱۱۹*	-۰/۰۹۸	-۰/۰۵۲	ارتباط بنا با بافت یا زمینه
۰/۰	۰/۰۲۰	۰/۰۵۵	۰/۳۰۷	
۰/۰۹۸	۰/۱۴۸***	-۰/۰۴۸	*-۰/۱۴۶	بنای مأنوس با بافت
۰/۰۵۵	۰/۰۰۴	۰/۳۴۷	۰/۰۰۴	
-۰/۰۶۵	-۰/۰۷۵	۰/۰۴۵	*-۰/۱۴۶	بنای هماهنگ با بافت
۰/۲۰۵	۰/۱۴۱	۰/۳۷۴	۰/۰۰۴	
۰/۰۳۸	۰/۰۱۹	۰/۰۶۵	۰/۰۸۶	بنای معنادار در بافت
۰/۴۵۲	۰/۶۵۰	۰/۲۰۳	۰/۰۹۰	
-۰/۰۷۵	-۰/۰۹۲	۰/۰۶۷	***۰/۱۹۳	بنای جدید در بافت
۰/۱۴۱	۰/۰۷۲	-۰/۱۹۹	۰/۰	
-۰/۰۰۷	-۰/۰۴۹	۰/۱۴۸***	***۰/۳۷۱	بنای متضاد در بافت
۰/۸۹۸	۰/۳۳۴	۰/۰۴	۰/۰۰	
۳۷۰ -N				

(نگارنده)



نتیجه گیری

بر اساس تحلیل‌ها می‌توان نتیجه گرفت که جلفای اصفهان نیز مانند بسیاری دیگر از محلات تاریخی، نیازمند حفاظت و مداخله واقع‌گرایانه‌ای است که ضمن حفظ ارزش‌های تاریخی، نیازهای امروز را هم مرتفع سازد. با توجه به نگرش مردم‌گرایانه، با استفاده از پرسش‌نامه‌هایی، نظر ساکنین جلفا درباره چگونگی بناهای میان‌افزا در بافت تاریخی از طریق تصاویر مربوط به این نوع بناها در نقاط مختلف جهان از جمله جلفای اصفهان به همراه سؤالات مرتبط با موضوع، مورد آزمون قرار گرفت. ترجیح ساکنان جلفا درباره رویکردهای مطابقت کامل تا تضاد به ترتیب؛ مطابقت کامل، هماهنگی با محوریت تاریخی، هماهنگی با محوریت نوآوری و در نهایت در کمترین میزان، گزینه تضاد کامل بود. بنابراین گزینه هماهنگی با محوریت تاریخی، در اولویت طراحی در بافت جلفا قرار دارد. ساکنین جلفا با معیارهایی از زیباشناسی که به سمت هماهنگی با بافت موجود باشند، در طراحی بنای جدید در این بافت موافق‌تر هستند. در بررسی هم‌بستگی متغیرهای انواع بناهای جدید در بافت تاریخی با چهار رویکرد طراحی، مشخص شد که ساکنین جلفا ارتباط معناداری بین معیارهای زیباشناختی مرتبط با بافت با رویکردهای طراحی که دارای حفاظت بیشتر بوده را ترجیح داده‌اند؛ همان‌طور که معیارهای زیباشناختی که به سمت تضاد در بافت حرکت می‌کنند را با رویکردهای طراحی متضاد مربوط دانسته و ارتباط معنادار بین آنها ایجاد نموده‌اند.

پی‌نوشت

1. Amstrdam
2. Agenda21
3. Tylor
4. Literal Replication
5. Invention within Style
6. Intentional Opposition
7. Davies
8. Semes
9. Cochran
10. Pearson
11. Cronbach's alpha

منابع و مآخذ

- ابویی، رضا و جعفری، نسیم (۱۳۹۴). نقد جایگاه بناهای میان‌افزا در محوطه‌های تاریخی از منظر اسناد بین‌المللی. *مجله علمی پژوهشی صفا*، ۲۵ (۶۸)، ۸۵-۹۵.
- اداره آمار استان اصفهان (۱۳۹۵).
- پرویزی، الهام؛ بمانیان، محمدرضا و مهدوی‌نژاد، محمد جواد (۱۳۹۵). شناسایی معیارهای ذهنیت اصیل در معماری جدید بافت‌های با ارزش تاریخی در جهت ارتقای هویت کالبدی بافت تاریخی. *دوفصلنامه علمی پژوهشی مرمت و معماری ایران*، ۱ (۱۱)، ۶۵-۷۵.
- حاج‌علیزاده و همکاران (۱۳۹۳). *توسعه درونی و میان‌افزا. رویکردهای متأخر توسعه در بافت‌های کهن*. چاپ اول، گرمی: دانشگاه آزاد واحد گرمی.
- حبیبی، سید محسن و مقصودی، ملیحه (۱۳۸۸). *مرمت شهری: تعاریف نظریه‌ها تجارب منشورها و قطع‌نامه‌های جهانی روش‌ها و اقدامات شهری*. چاپ چهارم، تهران: دانشگاه تهران.
- _____ (۱۳۹۰). *مرمت شهری*. چاپ پنجم، تهران: دانشگاه تهران.
- خدابخشیان، مقدی (۱۳۸۵). "طراحی مجموعه فرهنگی *ارامنه اصفهان*". پایان‌نامه کارشناسی ارشد، معماری. اصفهان: دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان.

- _____ (۱۳۹۵). "ارائه الگوی طراحی کالبدی ابنیه در بافت تاریخی جلفای اصفهان". طرح پژوهشی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان).
- شاه تیموری، یلدا و مظاهریان، حامد (۱۳۹۱). رهنمودهای طراحی برای ساختارهای جدید در زمینه تاریخی. نشریه هنرهای زیبا، ۱۷ (۴)، ۲۹-۴۰.
- شوای، فرانسوا (۱۳۷۵). شهرسازی، تخیل و واقعیت. ترجمه محسن حبیبی، چاپ اول، تهران: دانشگاه تهران.
- عالی، حسین و تاجیک، شهرام (۱۳۸۷). مرمت و احیای بناها و بافت‌های تاریخی. تهران: جام جم.
- فلامکی، محمد منصور (۱۳۸۶ الف). باززنده‌سازی بناهای شهرهای تاریخی. چاپ ششم، تهران: دانشگاه تهران.
- _____ (۱۳۸۶ ب). نوسازی و بهسازی شهری. چاپ دوم، تهران: سمت.
- فلیک، اوه (۱۳۹۰). درآمدی بر تحقیق کیفی. ترجمه هادی جلیلی، چاپ سوم، تهران: نی.
- قادریان، مسعود (۱۳۹۶). چارچوب توسعه میان‌افزا در بافت تاریخی. دو فصلنامه دانشگاه هنر، ۹ (۱۹)، ۹۳-۱۱۲.
- قدیری، بهرام (۱۳۸۵). ساختارهای جدید در محیط‌های تاریخی. چاپ اول، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- کردوانی، پرویز و غفاری، ونوس (۱۳۹۰). توریسم و رویکرد نوسازی در طراحی بافت‌های تاریخی شهری مطالعه موردی: شهر اصفهان. فصلنامه جغرافیای سرزمین، ۸ (۳۰)، ۱۹-۳۱.
- کریزک، کوین و پاور، جو (۱۳۸۹). آیین شهرسازی پایدار. ترجمه مصطفی بهزادفر و کیومرث حبیبی، چاپ اول، تبریز: مهر ایمان.
- کلانتری، حسین و صفری، عارف (۱۳۸۷). راهبردهای احیای بافت تاریخی اردکان. مجله فرهنگ و هنر، ۱ (۱)، ۶۹-۹۰.
- مسعود، محمد (۱۳۹۳). مبانی شکل‌گیری بناهای میان‌افزا در بافت‌های تاریخی بر اساس بیانیه‌ها و منشورهای بین‌المللی. مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال ششم (۲۲)، ۸۵-۱۰۸.
- مسعود، محمد و بیک‌زاده شهرکی، حمیدرضا (۱۳۹۲). بناهای میان‌افزا در بافت تاریخی. چاپ اول، تهران: آذرخش.
- ویلر، اس و بیتلی، تی (۱۳۸۴). نوشتارهایی درباره توسعه شهری پایدار. ترجمه کیانوش ذاکر حقیقی، چاپ اول، تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
- Davies, M. (2003). Design in the Historic Environment. Building Conservation. London: Cathedral Communications. <https://www.buildingconservation.com/articles/design/design.htm> (Retrieved 2 October. 2020).
- Guzman, T. & Zasha, N. (2009). **Historic Buildings and Contemporary Additions. The Elements of a Cohesive Design Relationship.** School of Architecture Planning and Preservation. University of Maryland college Park.
- ICOMOS (2011). "The Valletta principles for the Safeguarding and Manafment of Historic Cities, Town and Urban Areas".
- Semes, W. (2009). **The Future of the Past: A Conservation Ethic for Architecture, Urbanism and Historic Preservation.** W.W.Norton Company.
- Sotoudeh, H. & Zakeri, A. (2013). Evaluation of Fittnes of Design in Urban Historical Context: From the Perspective of residents. *Frontiers of Architectural Research*, Vol. 2. 85-93.
- Northeast-Midwest Institute (U.S.) (2001). **Strategies for successful infill development.** Washington D.C.: Northeast-Midwest Institute.
- Tylor, N. (2006). **Historic Preservation: An Introduction to its History, Principles and Practice.** w.w. Northon & Co.
- UNESCO (2005). "Vienna Memorandum on World Heritage and Contemporary Architecture Managing the Historic Urban Landscape". World Heritage Center, Paris.
- Zancheti, S. & Jokilehto, J. (2014). Values and urban conservation planning: some reflections on principles and definitions. *Journal of Architectural Conservation*, 37-51.



Received: 2018/03/06

Accepted: 2019/11/13

Evaluating the Residents' Opinions of the Neighborhood about the Inter-productive Structures in Historical Context of Julfa, Isfahan

Meghda Khodabakhshian*

Abstract

3

Isfahan's Julfa neighborhood has been one of the valuable historical neighborhoods related to the Safavid era. It is different from other neighborhoods of the city due to the residents' cultural-religious differences. Interventions in historical contexts are taking place with a variety of approaches around the world. The present study was conducted to answer this question: What should the inter-productive structures in historical context of Isfahan's Julfa neighborhood look like? After reviewing the types of interventions and considering the role of users in development types, the populist attitudes as the appropriate strategy was chosen and done through a questionnaire that tested the Julfa residents' opinions. Regarding the discussion and need to interpret and analyze various categories related to buildings, qualitative method was used, and in the field of evaluating inter-productive structures in historical context, a questionnaire has been applied. The required information was gathered by using library and field survey methods. In compiling the questionnaire, images related to various contexts including Julfa were organized with various types of interventions through reporters' test, and selected images and questions were distributed among 400 native habitants with at least 10 years of residence. The questions answered by 370 participants were analyzed by using SPSS software. By examining the correlation of variables of different types of inter-productive structures in historical context, it was found that Julfa residents agree more with the existence of significant relationship between texture-related aesthetic criteria and design approaches which are more protected and are in harmony with the existing context in designing new buildings. The findings indicate that the preference of Julfa residents over the approaches of complete conformity to complete contrast was from more to less, respectively.

Keywords: Historical context, Social oriented intervention, inter-productive structure, Isfahan's Julfa neighborhood, residents' opinion

* Assistant Professor, Architecture and Urban Design Faculty, Isfahan Azad University, Isfahan Khorasgan Branch, Isfahan, Iran. Meg.kh@khuisf.ac.ir